



تولد و تحصیلات

مرحوم شیخ جعفر شوشتری در سال ۱۲۳۰ هـ. ق در شهر شوشتر چشم به جهان گشود.

صاحب ضوابط و صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری و شریف العلماء مازندرانی و بعضی از اکابر دیگر بوده است.^۱

صاحب «ریحانة الادب» در توصیف مقام علمی و تحصیلات ایشان می نویسد:
«[ایشان] از محققین، علماء دینیه و اعظام فقهاء و مجتهدین امامیه می باشد که فقیه اصولی، معقولی، منقولی عابد و زاهد بود. تمام اوقات او در امور دینیه و ارشاد عباد و موعظه و هدایت مصروف می گشت.

مرحوم شریف رازی در شرح مراحل تحصیلات ایشان نوشته است: «پس از دوران صباء و خواندن مقدمات و ادبیات به نجف مهاجرت کرده و در اوائل با علامه شیخ محمد حسن آل یاسین شاگرد سید عبد الله شبر بوده و شرح مختصر عضدی را

ایشان از تلامذ صاحب فصول و

۱. ریحانة الادب، محمد علی مدرس تبریزی، انتشارات خیام، چ چهارم، ۱۳۷۴، ج ۳ و ۴، ص ۲۵۹.

لاجرم بر دلها می نشست، همه را دگرگون می ساخت و می گریاند و شور و شعور بسیار پدید می آورد.

آیه الله العظمی اراکی، از مرحوم آیه الله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیه قم نقل کرده است که روزی پای منبر مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری بودم که در اوج سخن به ناگاه خطاب به انبوه مردم گفت:

«هان ای مردم! می خواهم شما را بیازمایم که آیا اهل ایمان هستید یا نه؟ چرا که خدا در قرآن می فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۱

«ایمان آوردگان تنها کسانی هستند که چون نام خدا برده شود، خوف بر دلهایشان چیره می گردد و هنگامی که آیات او بر آنان تلاوت شود، ایمانشان افزون می گردد و بر

نزد شیخ اسماعیل کاظمی خوانده، در سال ۱۲۴۶ ه. ق به شوشتر برگشتند.

و پس از آن به کربلا برگشته و از صاحب فصول و شریف العلماء مازندرانی استفاده کرده و بعد به نجف رفتند و از محضر صاحب جواهر استفاده کردند و در سال ۱۲۵۵ ه. ق به شوشتر مراجعت [کردند] و در زمان ریاست و مرجعیت شیخ انصاری به نجف بازگشتند تا بتوانند از محضر ایشان بهره مند شوند.»^۱

اخلاص و عملکرد شایسته

یکی از ویژگیهای ارزشمند ایشان گوهر گرانبهای اخلاص و عملکرد شایسته و بایسته بود. رفتارش در زندگی با گفتارش هماهنگ بود و به راستی بر این باور بود که:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَغْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَغْلِيمِ غَيْرِهِ...»^۲ هر کس خویشتن را پیشوای مردم قرار دهد، باید پیش از آموزش دیگران، خود را بسازد.»

او به هنگام تلاوت قرآن و تفسیر آیات و تحلیل روایات و وعظ و ارشاد مردم، از دل سخن می گفت و سخنش

۱. گنجینه دانشمندان، حاج شیخ محمد شریف رازی، پیروز قم، زمستان ۱۳۵۳ ش، ج ۵، صص ۴۰۳-۴۰۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۷۳.

۳. انفال/۲.

مرحوم شوشتری بنا به اصرار مردم، سرش را بلند کرد و فرمود: مردم! آگاه باشید که خدا در همه جا حاضر است و به نهفته سینه‌ها داناست؛ **«إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»**^۱.

این فراز تکان‌دهنده و کوتاه، اثری عمیق در مردم نهاد؛ به گونه‌ای که اشکها روان شد و قلبها تپید و مردم دگرگون شدند.

سفیر روسیه در نامه‌ای به امپراطوری روس در این مورد نوشت: «تا هنگامی که این قشر روحانیون راستین مذهبی، در میان مردم باشند و مردم از آنان پیروی کنند، سیاست ما کاری از پیش نمی‌برد؛ چرا که وقتی یک جمله شوشتری در یک مجلس عظیم، این گونه دگرگونی ایجاد می‌کند، روشن است که دستورات و فتوای آنان چه خواهد کرد.»^۲

روایای عجیب

مرحوم آیه الله شیخ عبد التّبی عراقی می‌فرمود:

۱. هود/۵.

۲. یک صد داستان خواندنی، ص ۵۲، به نقل از ویژگیهای امام حسین علیه السلام.

پروردگار خویش توکل می‌کنند.»
اینک، آیاتی از قرآن را برای شما تلاوت می‌کنم تا با دیدن اثر گذاری قرآن یا عدم اثر پذیری شما معلوم گردد که به راستی اهل ایمان هستید یا نه؟»

آیه الله حائری می‌افزایند: با سخن مرحوم شوشتری، من سخت بر خود لرزیدم و به فکر فرو رفتم که اگر آیاتی تلاوت کرد و در من اثر و انعکاسی نداشت، چه خاکی بر سرم کنم؟ در این حال، خویشتن را جمع و جور کردم و آماده نشستم تا آیات را آن گونه که شایسته گوش جان سپردن به قرآن است، بشنوم.

آن گاه او به تلاوت قرآن پرداخت و آیاتی چند با شور و صف‌ناپذیری تلاوت کرد و خدای را سپاس که آن آیات در من اثر عمیق نهاد.

همچنین حضرت آیه الله العظمی آقای شیرازی نقل کرده‌اند که:

در جریان سفر مرحوم شوشتری به ایران، هنگامی که ایشان وارد تهران گردید، انبوه مردم از جمله سفیر کشور روسیه به ملاقات ایشان رفتند.

مردم تقاضای موعظه کردند و

رسالت، جواز و برات بهشت اعطا می‌کند و او نیز گام به پیش نهاد و سلام کرد و گفت: ای پیامبر خدا! به من هم عنایتی بفرمایید؛ چرا که افتخار خدمت به قرآن و دین و مذهب را دارم.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله او را مورد محبت قرار می‌دهد، اما می‌فرماید: «برای تو هنگامی برات صادر می‌شود که جناب شیخ جعفر شوشتری از تو راضی شود. در غیر این صورت، دریافت نخواهی کرد.»

شاهزاده دانشمند، ناگهان از خواب بیدار می‌گردد و در می‌یابد که شیخ مردی وارسته و دارای کمال و جمال معنوی است.

بر این اساس، دیدگاه او در مورد شخصیت شیخ دگرگون شد و روز بعد پس از گردآمدن شاگردان گفت: اینک، همه با هم به محضر شیخ و پای منبر او برویم.

شاگردان شگفت‌زده به همراه استاد خویش به محفل شیخ آمدند و پای سخنان روح‌بخش او که از آیات و روایات برمی‌خاست، نشستند. پس از پایان بحث و پراکنده شدن مردم،

«زمانی که مرحوم شوشتری در مدرسه سپهسالار سابق منبر می‌رفت، انبوه مردم از همه قشرها از جمله علماء و گویندگان در مجلس او شرکت می‌کردند.

یکی از علماء عصر که نژاد از شاهان قاجار داشت، جلسه درس و بحث علمی برای دانشجویان مذهبی داشت. یکی از همان روزها از شوشتری سخن به میان آمد و یکی از حضار اظهار داشت: شما نیز خوب است همانند دیگر بزرگان به منظور تعظیم شعائر دین در مجلس شیخ، شرکت کنید.

شاهزاده دانشمند که هنوز به مقام علمی و قداست و پروای شیخ آگاهی نیافته بود، پاسخ داد: دوست عزیز! او نیز سخنوری همچون دیگر سخنوران و منبریهاست. فکر نمی‌کنم لزومی داشته باشد که ما درس و بحث خود را تعطیل کرده، پای منبر او برویم.

شب هنگام شاهزاده دانشمند، در عالم رؤیا دید رستاخیز با همه هول و هراسش بر پاگشته و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به پیروان راستین خاندان وحی و

خودش به هنگام یادآوری رخداد
جانسوز کربلا می سوخت و سوز دلش
به صورت قطرات اشک، از دیدگانش
فرو می بارید.^۲

ویژگیهای اخلاقی ممتاز او به
همراه ذکر مصیبتهای جانسوز و
هدف دار از امام حسین علیه السلام باعث شده
بود تا مورد عنایت امیر کاروان قافله
عشق باشد و همچنین مورد توجه
پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله واقع
شود.

آن عالم ربانی خود نقل کرده
است:

«زمانی که از تحصیلات علمی
خویش در حوزه نجف فارغ شدم و به
وطن خود شوشتر باز گشتم، با تمام
وجود دریافتم که باید در هر چه بیشتر
و بهتر آشنا ساختن مردم با معارف
قرآن و اسلام بکوشم. به همین جهت،
در گام نخست تصمیم گرفتم که

شاهزاده دانشمند نزد شیخ رفت و با او
روبوسی کرد و پس از آن به شیخ
ارادت بیشتری پیدا کرد؛ چرا که به
هنگام روبوسی، شیخ سر به گوش
شاهزاده نهاد و فرمود:

بیان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را درست
دریافتی؛ اگر من از شما راضی و
خشنود نگردم، برات بهشت به شما
نخواهد رسید.^۱

عشق به امام حسین علیه السلام

ویژگی دیگر او شیفتگی
وصف ناپذیرش به سالار شایستگان
حضرت حسین علیه السلام بود. به همین
جهت با آن مقام علمی، فقهی و کهولت
سن تا آخرین مراحل زندگی پربرکت
خویش منبر می رفت و با شوری
وصف ناپذیر نام و یاد کربلا و عاشورا
و شهادت جانسوز حسین علیه السلام و راه و
رسم افتخار آفرین و ستم سوز او را
برای دوستان و رهروانش ترسیم
می کرد.

مردم را به ارزشهایی که کربلا،
دانشگاه آن بود و حسین علیه السلام آموزگار
بزرگش، فرا می خواند و نسبت به ضد
ارزشها هشدار می داد.

۱. ویژگیهای امام حسین علیه السلام، ترجمه
الخصائص الحسينية، علیرضا کرمی، نشر حاذق،
چ اول، ۱۳۷۴، ص ۳۹ و ۴۰، به نقل از الوقایع و
الحوادث ملبوبی.
۲. همان، ص ۳۶.

توانم از حفظ منبر بروم! باید چاره‌ای بیندیشم و خویشتن را از این وضعیت ناگوار نجات بخشم؛ اما هر چه در این مورد اندیشیدم، راه به جایی نبردم و بر اثر فکر زیاد، خستگی سراسر وجودم را فرا گرفت و از شدت نگرانی به خواب خوشی فرو رفتم.

در عالم رؤیا دیدم که در سرزمین کربلا هستم، آن هم درست به هنگامی که کاروان حسین علیه السلام در آنجا فرود آمده است.

به همه جا نگریستم، چشمم به خیمه‌ای بر افراشته افتاد. دریافتم که سپاه دشمن در صفهائی فشرده بر گرد خیمه حسین علیه السلام گرد آمده‌اند، گام به پیش نهادم.

دیدم خود حسین علیه السلام در درون آن خیمه نشسته است، وارد شدم. سلام گرمی نثار آن سیمای نور افشان کردم که حضرت مرا در نزدیکی خویش جای داد و به حبیب بن مظاهر فرمود:

«حبیب! شیخ جعفر، میهمان ماست، باید از میهمان پذیرایی کرد. درست است که آب در خیمه نیست، اما آرد و روغن موجود است، به پاخیز

روزهای جمعه را منبر بروم و پس از آن با فرارسیدن ماه رمضان، به خاطر انجام این مسئولیت به منبر خویش ادامه دادم.

اما شیوه کار این گونه بود که تفسیر صافی را به دست می‌گرفتم و از روی آن مردم را وعظ و ارشاد می‌کردم و در آخرین بخش منبر هم به بیان مشهور و معروف که هر غذایی نیاز به نمک دارد و نمک مجلس وعظ و ارشاد نیز روضه و یادآوری و بازگویی مصائب جانسوز عاشورا و حسین علیه السلام است، به ناچار از کتاب «روضه الشهداء» مقداری مرثیه می‌خواندم.

ماه محرم را نیز که در پیش بود، به همین صورت گذراندم؛ اما به هیچ عنوان توانایی جدایی از کتاب و منبر رفتن بدون کتاب را نداشتم و مردم نیز بدین صورت بهره کافی نمی‌بردند؛ اما به هر حال، حدود یک سال بدین صورت گذشت.

سال بعد با فرارسیدن محرم با خود زمزمه کردم که تا چه زمانی باید کتاب در دست گیرم و از روی کتاب، مجلس و منبر را اداره کنم! و تا کی

هم شعله‌های آتش را در قلب هر شنونده شعله‌ور می‌ساخت. وی در این اثر شریف به شایستگی توانسته است به بیان ویژگی‌های مختلف آن ذات مقدس در دوازده عنوان پردازد. در نتیجه، بهترین و ماندگارترین راهنمای مهاجران عرصه تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی می‌باشد. عناوین مذکور برای آشنایی بیشتر به شرح زیر ذکر می‌گردد:

۱. نور وجود حسین علیه السلام از آغاز تا فرجام آفرینش؛
۲. ارزشهای اخلاقی و عبادی حسین علیه السلام؛
۳. ارزشهای اخلاقی و عبادی در تجلیگاه عاشورا؛
۴. جلوه‌هایی از الطاف خاص خدا؛
۵. جلوه‌هایی از الطاف خاص خدا به امام حسین علیه السلام؛
۶. خشوع دل و محبت قلبی به یاد امام حسین علیه السلام؛
۷. پرشکوه‌ترین وسیله نجات؛

۱. همان، ص ۳۶ و ۳۷، به نقل از آیات بینات فی حقیقه بعض المنامات.

و برای میهمان غذایی آماده ساز!» حبيب بن مظاهر به دستور حسین علیه السلام برخاست و پس از لحظاتی چند به خیمه وارد شد و غذایی پیش روی من نهاد. فراموش نمی‌کنم که قاشقی هم در ظرف غذا بود.

چند قاشقی از آن غذای بهشتی صفت، خورده بودم که از خواب بیدار شدم و دریافتم که از برکت زیارت آن حضرت و عنایت او، نکات و لطائف و کنایات و ظرافتهایی از آثار خاندان وحی و رسالت بر من الهام شده است که تا آن ساعت، بر کسی الهام نگشته و فهم کسی بر آنها از من پیشی نگرفته بود.^۱

الخصائص الحسينية

کتاب پرارج و گرانسنگ «الخصائص الحسينية» اثر فقیه گرانقدر و خطیب توانا، شیخ جعفر شوشتری، می‌باشد که به حق عاشق دلسوخته قافله سالار عشق و شیفته پیشوای راستین شهیدان و دلباخته سرور آزادگان، حضرت حسین بن علی علیه السلام بود که به هنگام بیان مصائب آن حضرت، هم خود آتش می‌گرفت و

کنونی ایران و عراق در قریه کردند از توابع کرمانشاه بیمار شد و پس از چند روز، در تاریخ ۲۸ صفر سال ۱۴۰۳ هـ. ق روح بلند آوازه و ملکوتیش به جوار رحمت حق پرکشید و پیکر مطهرش به وسیله ارادتمندان به آستان سرور و سالارش، نخستین امام نور، حمل شد و در حجره اولی ساباطی که پهلوی تکیه بکتاشیه، از طرف راست واردین صحن مقدس است، به خاک سپرده شد.^۱



۱. ریحانة الادب، ج ۳ و ۴، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۸. ویژگی امام حسین علیه السلام در رابطه با قرآن؛

۹. ویژگیهای امام حسین علیه السلام در رابطه با کعبه؛

۱۰. امام حسین علیه السلام و فرشتگان؛

۱۱. امام حسین علیه السلام و پیام آوران خدا؛

۱۲. برترین پیام آوران خدا و امام حسین علیه السلام.

از این اثر ارزشمند ترجمه‌های فراوانی ارائه گردیده است که هم اکنون دو ترجمه با عناوین «ویژگیهای امام حسین علیه السلام» ترجمه علیرضا کرمی اصفهانی و دیگری «اشک روان بر امیر کاروان» ترجمه میرزا محمد حسین مرعشی شهرستانی در بازار موجود است که می‌تواند مورد استفاده واقع شود.

رحلت

مرحوم آیه الله شوشتری، پس از عمری تلاش برای انجام رسالت دینی و ارشاد مردم در شهرهای مختلف ایران در شور و شوق زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام راهی عراق بود که متأسفانه در منطقه غرب کشور و مرز